346-156
۳۴۶-۱۵۶

DUPLICATE ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

۳۱ اوت ۱۹۸۳ برابر با ۹شهریورماه ۱۳۶۲

پرونده شماره ۳۴۶

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۳۴۶ - ۷۱

آلن کریگ ،

خواهان ،

- و -

وزارت نیروی ایران ، مهندسین مشاور مهاب (مهاب) ،
سازمان آب وبرق خوزستان ، شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین ،

خواندگان .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED - ثبت شد
تاریخ 1362/6/11
2 SEP 1983
شعبه 346 ۳۴۶

حکم

حاضران :

ازطرف خواهان : آقای آلن کریگ ،
آقای دانلدسن ، آقای ئی.سامنر ،
" ح . صبی ، وکلای خواهان .

ازطرف خواندگان : آقای اصغرفخریه‌کاشان ،نماینده‌رابط جمهوری‌اسلامی‌ایران
" آل محمد ، وکیل سازمان آب وبرق خوزستان ،
" بخشی ، وکیل مهاب ،
" صمیمی ، ازشرکت مهاب ،
" شامیاتی ، ازشرکت خدمات مهندسی ایران - زمین

سایرحاضران : خانم جیمیسون ا م .سلبی،قائم‌مقام‌نماینده‌رابط ایالات متحده
آقای جان بی.رینولدز، مشاورنماینده‌رابط ایالات متحده

اول - جریان دعوی

خواهان ، آلن کریگ ("کریگ") درتاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۸ دیماه ۱۳۶۰) ادعای خودرا به‌ثبت رساندواز وزارت نیروی ایران ودستگاهها وواحدهای تحت‌کنترل آن ، یعنی مهندسین مشاورمهاب ("مهاب") ، سازمان آب وبرق خوزستان ، وشرکت خدمات مهندسی ایران - زمین به‌عنوان خواندگان نام‌برد. کریگ طالب جبران خسارت بابت نقض ادعائی قرارداد توسط مهاب وسازمان آب وبرق (ادعای الف) ، نقض قراردادتوسط شرکت خدمات مهندسی (ادعای ب) وخسارات ناشی ازمصادره‌ادعائی اموال (ادعای ج) است .

درتاریخ ۶ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۵ تیرماه ۱۳۶۱) مهاب ، سازمان آب وبرق خوزستان وشرکت خدمات مهندسی ایران - زمین لوایح دفاعیه‌خودرا به‌ثبت رساندند. مهاب همراه بادفاعیه ، ادعای متقابلی مطرح کرده‌و خواستارا ستردادمبالغ پرداختی به‌کریگ ، ونیزبابت مالیات وحق بیمه‌های اجتماعی وپاره‌ای هزینه‌ها شد. درتاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ (۷ مردادماه ۱۳۶۱) مهاب "لایحه‌دفاعیه مکملی" به‌ثبت رساند، که‌درآن ادعای متقابل فقط محدودبه‌مطالبه‌وجوهی بودکه به‌کریگ پرداخت شده‌بود .

دیوان داوری درتاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۲ (۳۰ شهریورماه ۱۳۶۱) یک جلسه استماع مقدماتی برگزارنمودوبدنبال آن طرف‌ها اظهاریه‌هائی تسلیم

دیوان کردند. جلسه استماع درتاریخ ۵ آوریل ۱۹۸۳ (۱۶ فروردینماه ۱۳۶۲) تشکیل گردید. به‌خواندگان اجازه‌داده‌شدیک فقره سوگندنامه بعدازجلسه استماع به‌ثبت رسانند، که عینا " عمل شد.

کریگ ومهاب متعاقبا " اظهاریه‌های غیرمجازی ارائه‌وبه‌توضیح ماهیت پرونده‌ومدارک تسلیمی پرداختند. رعایت انصاف ونظم‌ونیزاحتمال وارد شدن لطمه به طرف‌ها ایجاب می کندکه‌دیوان داوری این اظهاریه‌ها را نادیده‌بگیرد.

دوم - اظهارات طرف‌ها

۱ - اظهارات خواهان

خواهان مدعی است که‌وی درکلیه‌اوقات مربوط تابعیت ایالات متحده را داشته‌واکنون نیزتابع ایالات متحده‌است. بعلاوه،خواهان اظهار می‌داردکه‌طبق مفهوم‌بند۳،ماده‌هفت بیانیه‌حل وفصل دعاوی،خواندگان واحدهای تحت‌کنترل دولت ایران می باشند.

کریگ یک مهندس حرفه‌ای وفارغ التحصیل انستیتوی تکنولوژی ماسوچوست است. وی ادعا می کندکه‌سالها است در رشته‌های هیدرولوژی (آب شناسی)، هیدرولیک، آبیاری، زهکشی واقلیم شناسی تخصص داشته‌ودرزمینه‌برنامه‌ریزی وتوسعه منابع زمینی و آبی درسراسرجهان خدمات مهندسی انجام داده‌است. وی اظهار می داردکه بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۹ وسالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ این قبیل خدمات را درایران انجام‌داده‌است. ازاین قبیل است: ایجاد یک بخش عملیات فنی درسازمان آب وبرق خوزستان وارائه مشاوره‌درپروژه

توسعه حوزه رودکرخه ، بروژه دشت میشان وپروژه لاروبی مخزن آب پهلوی .

ادعای اصلی (ادعای الف) کریگ ناشی ازقراردادی است که حسب ادعا با مهاب داشته است . کریگ می گویدکه وی درسال ۱۹۷۷ اطلاع یافت که سازمان آب وبرق خوزستان به خدمات وی جهت کمک به پیاده کردن برنامه اصلی وجامع دراز مدتی جهت منابع خوزستان در ایران نیاز دارد. درماه فوریه ۱۹۷۸ کریگ ضمن پیشنهادی که تسلیم سازمان آب وبرق خوزستان نمود ، اعلام آمادگی کردکه خدماتی درزمینه کارشناسی ومشاورت دربرنامه ریزی وتوسعه منابع آبی و زمینی به صورت غیرانحصاری به نرخ ۳۰۰ دلار در روز پس ازکسر مالیات های ایران ویا منحصرا" برای سازمان آب وبرق خوزستان بر اساس یک قرارداد دوساله ، عرضه نمایدبا این شرط که درعرض هردوره دوساله حداقل ۵۰۰ روز یا درهرسال حداکثر ۳۰۰ روز کارانجام دهد و نرخ اجرت ۳۰۰ دلار در روز پس ازکسرمالیاتهای ایران بابت تمام روزهائی باشدکه کریگ درایران سرگرم انجام ماموریت است .

بنا به اظهارکریگ ، سازمان آب وبرق خوزستان درآوریل ۱۹۷۸ پیشنهادمزبور جهت ارائه خدمات یادشده راتلفنی پذیرفت ، ولی به دلائل اداری عقدقرارداد را به عهده مهاب گذاشت . کریگ مدعی است که سازمان آب وبرق خوزستان از وی خواست که هرچه زودتر آغازبه کار کندوقول دادکه قرارداد بعدا" امضاء شود .

کریگ اظهارمی داردکه وی درتاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ (۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) به منظورشروع کار وارد اهوازشدوبا نماینده سازمان آب وبرق خوزستان ملاقات کرد و در مورد کاری که کریگ قرار بود انجام دهد با آن سازمان به توافق رسید .کریگ حسب اظهارپس ازحصول اطمینان

از اینکه مهاب قراردادی تهیه وتسلیم خواهدکرد، درمعیت پرسنل سازمان آب و برق خوزستان و نیز جهت آنها به کار مطالعاتی خود در زمینه هیدرولوژی (آب شناسی) ادامه داد. به گفته کریگ، پرسنل سازمان آب وبرق خوزستان از وی تقاضا می کردندکه بررسیهای معینی را انجام دهد، واونیز بررسیهای موردنظر را به عمل آورده و گزارشاتی تسلیم می نمود. کریگ از تعدادی گزارش نام برده است که مدعی است به سازمان آب وبرق خوزستان تسلیم گردیده وآن سازمان ازگزارش های مزبور استفاده کرده است.

درتاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۶) کریگ ومهاب قراردادی را امضاء کردندکه به موجب آن قرار بودکه کریگ از تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۷۸ تا ۲۶ آوریل ۱۹۸۰ (اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ تا ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) سمت مشاوری مهاب را بعهده گرفته و بابت آن حقوقی به میزان ۱،۱۰۰،۰۰۰ ریال درماه به اضافه پاره ای هزینه ها ومزایای دیگر دریافت نماید. هریک ازطرفین این حق را داشت که با یک اخطار قبلی شش ماهه قرارداد را فسخ کند. کریگ می بایست بابت مبلغ مزبور مالیات بردرآمد بپردازد. کریگ مدعی است که قرارداد یک قرارداد استخدامی نبوده، بلکه قرارداد مشاوره ای بوده است که طبق آن خواهان پیمانکار مستقلی محسوب می گردید. وی، مضافا" مدعی است که بین مهاب وسازمان آب وبرق خوزستان توافقی به عمل آمده بودکه به موجب آن، در واقع کریگ به عنوان مامور، خدمات خودرا به سازمان آب وبرق خوزستان عرضه می نمود.

کریگ می گویدبه مدت چندماه، نه مهاب ونه سازمان آب وبرق خوزستان حقوق ومخارج کریگ را پرداخت نکردند. درماه سپتامبر ۱۹۷۸ سازمان آب

وبـرق خوزستان مبلغ ۱۸،۰۰۰ دلار، بعنوان "علی الحساب" پرداخت کـرد. وی می گوید دراکتبر ۱۹۷۸ پرداخت دومی‌دردست اقدام بـــود ولی به علت اعتصـــاب عمومی هرگزصورت نگرفت.

کریگ مدعی است که به استثنای دوبار خروج کوتاه مدت ازکشور، تا آخر ژانویه ۱۹۷۹ به‌کار خود درایران ادامه‌داد. درآغاز ژانویـــه ۱۹۷۹ کریگ خلاصه‌صورتحسابی بابت دوره ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ تا ۱۸ ژانویـــه ۱۹۷۹ (۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ تا ۲۸ دیماه ۱۳۵۷) به‌سازمان آب وبـــرق خوزستان تسلیم کرد. سازمان آب وبرق خوزستان با پیش بینی تعلیق عملیات درخوزستان، صورتحساب مزبور راخواسته‌بود. بنا به اظهـــار کریگ، مدیرامورمالی واداری سازمان آب وبرق خوزستان تائیدکرد که کریگ کاروخدماتی راکه درصورتحسابش منعکس گردیده انجام داده‌و ایرادی بـــه مبلغ مذکور درصورتحساب نگرفت.

درتاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۶ بهمن ماه ۱۳۵۷) کریگ نامه‌ای به‌مهـــاب نوشته‌ودرخواست کردکه مبالغ موردبدهی به‌وی پرداخت گرددو درضمـــن به مهاب اطلاع‌داد که وی برای انجام خدمات کماکان دراختیارآن شرکت خواهدبـــود.

بنا به‌گفته‌کریگ، درتاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷) مدیر عامل وقت سازمان آب وبرق خوزستان به‌نام م.آل یاسین، بـــه‌وی اطلاع دادکه‌سازمان آب وبرق خوزستان موقتا" قادربه‌ادامه‌برنامه‌ای که‌کریگ درآن کارمی کرده‌است، نبوده‌وبنابراین وی به‌کریگ تکلیف می کندکه به‌لندن مراجعت کرده‌ودرآنجا "به‌مدت‌چندماه‌منتظر" نتایج رویدادهای ایران باشد. کریگ مدعی است که‌نه‌سازمان آب وبـــرق خوزستان ونه‌مهاب قرارداد رافسخ نکرده‌وهرگزکسی چه‌درسازمـــان و چه‌در مهاب ذکری ازاینکه‌کریگ طلبکارنیست نکرده‌است.

کریگ به‌دنبال تحویل سوابق وپرونده‌های خودبه‌پرسنل سازمان آب و برق خوزستان جهت حفاظت ، درتاریخ ۸ فوریه ۱۹۷۹ (۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷) ایران را به‌مقصدلندن ترک کرد. بعدازآن کریگ درموردپرداخت پول مکاتبه‌کرده وضمنا " درخواست نمودکه "اگرایران درصددنیست که‌کار رادرآینده‌نزدیک ادامه‌دهد" وی را ازتعهدات ناشی ازقرارداد مبری نماید. درماه مه ۱۹۷۹ سازمان آب وبرق خوزستان به‌کریگ اطلاع دادکه وی به‌مهاب مامورشده‌است واینکه‌سازمان آب وبرق خوزستان به‌اطلاع مهاب رسانده که‌کریگ خدمات خودرا تا ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲ بهمن ۱۳۵۷) انجام داده‌وبدین ترتیب مهاب امکان یافته‌است که‌حسابهای وی راسریعا " تسویه‌نماید. کریگ مدعی است که‌وی به‌انجام برخی خدمات جهت سازمان آب وبرق خوزستان درلندن ادامه‌داده‌وسازمان آب وبرق خوزستان رادرجریان فعالیت های مزبور قرارمی داده‌است. کریگ اظهارمی داردکه‌وی کوشش به‌عمل آوردکه ازکارفرمایان دیگری کاربپذیرد، با این شرط که‌طی اخطار کوتاه مدتی مرخص شده‌وبتواند جهت ازسرگرفتن کارخودبه‌ایران مراجعت نماید .این کوششها تا ماه سپتامبرنتیجه‌ای به‌بارنیاورد تا اینکه درتاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبانماه ۱۳۵۸) نامبرده‌کاری درکنیابه‌دست‌آورد. وی تا ۲۶ آوریل ۱۹۸۰ (۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) درشرکتی درکنیاکارمی کردواین شرکت موافقت‌کردکه اگرمهاب یاسازمان آب وبرق خوزستان مجدد" کریگ را "احضار" نمایند، اوراضمن یک اخطارقبلی دوماهه مرخص کند.

کریگ مدعی است که‌قراردادش با مهاب به‌علت اینکه مهاب پرداخت ها راانجام نداده ودستوراتی به‌وی نداده‌درپایان سپتامبر ۱۹۷۹ فسخ گردیده‌وازآن ببعدتعهدات وی نسبت به‌مهاب خاتمه‌یافته‌است .

مبلغ کل خواسته‌طبق ادعای الف ۴۵۱،۲۶۲/۹۰ دلار آمریکا است که

۲۱۵،۹۸۴/۸۶ دلار آن بابت بدهی حقوق وهزینه‌هائی است که حسب ادعا درفاصله ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ الی ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ (۷ اردیبهشت ماه ۵۷ الی ۴ مهرماه ۵۸) تعلق گرفته و ۵۷،۲۷۸/۰۴ دلار خسارات مربوط به‌بقیه مدت قرارداد است. ۱۷۸،۰۰۰ دلار باقیمانده حسب ادعا مربوط به‌تعهدات مالیاتی دیگروی درقبال ایالات متحده است که به‌علت قصور خواندگان درپرداخت بموقع وجوه، پدیدآمده است.

کریگ می گویدکه مهاب به‌موجب قرارداد مسئول می باشد، ولی اگر قرارداد به هردلیلی قابل اجرا نباشد، آنگاه سازمان آب وبرق خوزستان براساس نظریه شبه قرارداد یا داراشدن بلاجهت درقبال خدمات انجام شده مسئول است. وی همچنین متذکر می شود که اقدام اومنطقی بوده وهروظیفه‌ای که‌برای تخفیف خسارات خودبرعهده‌داشته، انجام داده‌است.

خواهان مدعی است که‌قصدتمام طرف ها این بوده‌است که‌کلیه‌پرداختهائی که به‌موجب قرارداد توسط مهاب صورت می گیردبه‌دلار آمریکا انجام شود. خواهان درتائیدموضع خود مبلغ ۱۸،۰۰۰ دلار علی الحسابی راکه‌سازمان آب وبرق خوزستان درسپتامبر ۱۹۷۸ به وی پرداخته‌ذکرکرده‌وبه‌عهدنامه‌مودت، روابط اقتصادی وحقوق کنسولی مورخ ۱۹۵۵ درارتباط باپرداخت به‌اتباع ایالات متحده بابت‌خدمات انجام شده‌توسط آنها، استنادمی کند. بدینقرار، خواهان طالب صدور حکم خساراتی به دلارآمریکااست که‌میزان آن بایدبااعمال نرخ تبدیل ارز درتاریخی که‌مبالغ موضوع قراردادقابل پرداخت بوده‌است تعیین گردد.

ادعای دوم کریگ (ادعای ب) شامل مبلغی است که‌حسب اظهار، شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین بابت‌خدماتی که خواهان قبلا" به‌موجب

قراردادی با شرکت یاد شده انجام داده به وی مدیون است . خواهان ، با ذکر اینکه شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین درژوئیه ۱۹۷۸ قبول کرده است که مبلغ ۵،۷۶۰ دلار به نامبرده بدهکار است ، حال با تجدیدنظر و اصلاح محاسبات خود ادعای مبلغ ۶،۸۰۰ دلار باضافه بهره را ،دارد. خواهان مدعی است که به اعتبار رابطه پیمانکار وپیمانکار فرعی که بین شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین وسازمان آب وبرق خوزستان برقرار است ، مبلغ مورد ادعا برذمه هردوسازمان قرار می گیرد .

خواهان درادعای سوم (ادعای ج) ازسازمان آب وبرق خوزستان می خواهد که یا بابت خسارات ناشی ازضبط آرشیوهای فنی ، ومورد استفاده درکار وآرشیوهای تجارتی مبلغ ۲،۲۵۰ دلار پرداخت نماید ویا اینکه آرشیوهای مزبور را به وی برگرداند .

بالاخره ، خواهان بهره اصل مبالغ موردادعا وهزینه های داوری را مطالبه می کند .

۲ - اظهارات خواندگان

خواندگان اظهار می دارندکه خواهان تابعیت آمریکائی خودراثابت نکرده است ونیزاینکه دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین راندارد ، زیراکه شرکت مزبور تحت کنترل دولت ایران نیست .

درمورد ادعای الف ، مهاب استدلال می کندکه چون قراردادبا مهاب تابع قوانین ایران است ، بنابراین صلاحیت رسیدگی منحصرا " با دادگاههای صالحه ایران است و لذا ، دیوان داوری فاقدصلاحیت رسیدگی

به ادعای مزبور است . بعلاوه ، مهاب اظهار می دارد که قرارداد غیرقانونی بوده است زیرا که نه طبق رویه های داخلی مهاب امضاء و مبادله شده ونه مقررات قانونی ایران در مورد استخدام اتباع بیگانه رعایت شده است .مهاب متذکر می شود با اینکه قرارداد امضاء شده ، چیزی بیش از یک پیش نویس نبوده است . مضافا " مهاب ادعا می کند که طبق قرارداد مورد ادعا قرار بود که پرداخت به کریگ به ریال صورت گیرد ، نه به دلار آمریکا و اینکه درهر صورت ادعای کریگ به موجب قرارداد ادعائی ، را قانون مرور زمان ایران که در این مورد لازم الاجرا است منع می نماید .

سازمان آب وبرق خوزستان متذکر می شود که چون طرف قرارداد ادعائی نبوده ، لذا هیچگونه مسئولیتی ندارد .

خواندگان ، مهاب وسازمان آب وبرق خوزستان اظهار می دارند که خواهان مدارک کافی در مورد ارزش خدمات خود تسلیم نکرده ، خدماتی را که لازم بود طبق قرارداد عرضه نمایدانجام نداده وباترک ایران پیش از تکمیل قرارداد وبدون اجازه کارفرما قرارداد را رها کرده است . خواندگان فوق الذکر اضافه می کنند به مجرد اینکه خواهان ایران را ترک کرد حق "منتظر ماندن" در لندن را نداشته تا بابت آن مدت مستحق وصول وجهی باشد ، و کار ادعائی خواهان در لندن مغایر با شرایط مندرج در قرارداد بوده که محل انجام خدمات را ایران تعیین کرده است .علیهذا ، اگر قرارداد معتبری هم وجود داشته ، خواهان آن قرارداد را نقض کرده است .

مهاب بر این عقیده است که حتی اگر قرارداد معتبری هم وجود داشته و

حتی اگرخواندگان آن را نقض کرده باشند، باز هم کریگ موظف بوده است که درصدد تقلیل وتخفیف خسارات وارده به خود برآید، لیکن وی در آن باره اقدامات معقولی به عمل نیاورده است.

درمورد ادعای ب، خوانده شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین متذکرمی شودکه طبق قرارداد شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین دینی به خواهان ندارد.

خوانده سازمان آب وبرق خوزستان با اظهار اینکه پرونده ها وسایر اموال خواهان به یکی ازکارکنان سازمان آب وبرق خوزستان سپرده شده ونه به سازمان مزبور، ادعای ج را ردمی کند. با اینحال، سازمان آب وبرق خوزستان اعلام کرده است اموالی راکه به خواهان متعلق است دراختیار روی قرارخواهدداد.

خواندگان متذکرمی شوندکه اگرخواهان مستحق جبران خسارتی هم باشد، بایدمالیات ایران ازآن کسرگردد، ودراینصورت ازکریگ بایدبه عنوان یک کارمند ونه یک پیمانکارمستقل، ماهانه مالیات کسرگردد. بنابراین، مبلغ خالصی که بایدماهانه کسرشود، ۵۸۳،۷۹۳ ریال می باشد. بعلاوه، خواندگان اظهارمی دارندکه بابت منزل واتومبیلی که شرکت دراختیارخواهان گذاشته بایدمالیات کسر شود.

مهاب متقابلا" طالب اعاده مبلغ ۱۸،۰۰۰ دلاریا ۱،۲۹۴،۵۰۶ ریالی است که قبلا" به کریگ پرداخت گردیده است، زیرا مدعی است که مبلغ مزبوربعنوان علی الحساب بابت حقوق یا حق الزحمه استحقاقی پرداخت نشده، بلکه به اعتبار روابط خصوصی بین کریگ ومدیرعامل سازمان آب وبرق خوزستان، این مبلغ توسط مدیرعامل به صورت پیش پرداخت داده شده

تا کمکی برای رفع مشکلات مالی کریگ باشد.

خواندگان همچنین هزینه‌های داوری خودرا مطالبه می نمایند.

۳ - پاسخ خواهان به اظهارات خواندگان

درمورد کسرمالیات موردادعای خواندگان ، کریگ اظهارمی داردکه میزان مالیات دولت ایران کهازمطالبات قابلکسراست ۷،۲۲۵،۳۰۷ریال است که باکسرماهانه ۲۳۹،۳۵۸ ریال منطبق است وبه‌عنوان یک پیمانکار مستقل فقط۸۰درصددرآمدوی مشمول مالیات است وازآنجاکه مطالبات خودرا ازصندوق دولت دریافت می داشته‌است بنابراین مشمول پاره‌ای معافیتهای مالیاتی می گردد. کریگ کسرمالیات رابرای منزلی که دراختیارش بوده‌واتومبیلی که هرگزبه‌وی داده‌نشده نمی پذیرد.

کریگ منکراست که‌بابت ادعای متقابل دینی برعهده‌دارد.

سوم - صلاحیت دیوان

خواهان مدارکی ارائه‌داده‌است دایربراینکه ازبدوتولدتابعیت ایالات متحده را دارابوده‌است. بنابراین خواهان بموجب بیانیه‌حل وفصل دعاوی، تبعه‌آمریکا بوده‌وحق داردکه دعوای خودرادردیوان مطرح نماید.

خواندگان ، مهاب وسازمان آب وبرق خوزستان هردو اذعان دارند که "شرکت دولتی" هستند. مدارک موجود حاکی ازآنستکه سهام این دوشرکت متعلق به دولت ایران بوده ومقامات این دولت‌روسای سازمانهای مذکوربوده یا درامورآن دخالت داشته‌اند. بعلاوه کیفیت عملیاتی شرکت های فوق الزاما"

دولتی است . دیوان داوری براین اساس ، سازمانهای مهاب وآب وبرق خوزستان راجزو دستگاهها ، واحدها وسازمان های دولت ایران وطبق مفاد بیانیه حل وفصل دعاوی آنها را مشمول صلاحیت خودمی داند . یادآوری می شود که دیوان داوری دریکی ازاحکام قبلی خودسازمان آب وبرق خوزستان را واحدتحت کنترل شناخته است (رجوع شودبه قرار اعدادی شماره ۲- ۱۲۰-۲۳ ، چاس تی.مین وسازمان آب وبرق خوزستان ودیگران) .

خواهان دلائل مهمی درمورد وضع شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین ارائه نکرده است ونتیجتا " دیوان داوری مدارک کافی جهت ثبوت صلاحیت دیوان بمنظوررسیدگی به دعوای علیه این شرکت (ادعای ب) دردست ندارد .

قراردادی که حسب ادعا بین خواهان ومهاب منعقدگشته حاوی قیدی نیست که مشخصا" "حل اختلاف را منحصرا " درصلاحیت دادگاههای ایرانی قراردهد... " (بند ۱ ماده دوم بیانیه حل وفصل دعاوی) ، تا به موجب آن ازدیوان داوری سلب صلاحیت گردد . بعلاوه ، حتی اگرقرارداد مورد ادعا ، طبق استدلال مهاب مشمول قانون کار ایران می بودکه به موجب آن پاره ای اختلافات به یک مرجع اداری ارجاع می شود ، درآنصورت هم برصلاحیت دیوان داوری نسبت به این پرونده تاثیری نمی گذاشت . بند ۱ ماده دوحاوی هیچ شرطی که ادعا را براین مبنا مستثنی سازد ، نیست .

براین اساس دیوان داوری چنین تشخیص می دهدکه نسبت به کلیه دعاوی پرونده به استثنای ادعای (ب) تا آنجا که علیه شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین اقامه شده ، واجدصلاحیت است .

ادعای متقابل به روشنی ازهمان "قرارداد ، معامله یا پیش آمدی" که موضوع ادعا می باشد ، ناشی می شودو بنابراین درحیطه صلاحیت دیوان

داوری است (بند۱ ماده دوبیانیه‌حل وفصل دعاوی).

چهارم - ماهیت دعوی

۱ - ادعای الف

الف - اعتبار قرارداد موردادعا

قرارداد منعقدفیمابین کریگ ومهاب ، توسط کریگ‌وفردی که درمدافعات به‌عنوان معاون یاکفیل مدیرعامل مهاب وهم به‌عنوان مدیرعامل قسمت آب مهاب معرفی گردیده امضاء ومبادله شده‌است .هیچ نکته‌ای درمتن قراردادد ایربراین اظهارکه‌قرارداد پیش نویسی بیش نبوده‌است وجودندارد . اینکه درقرارداد مشخص نیست که‌کریگ بعنوان مشاورعمومی بایددقیقا " چه‌خدماتی انجام دهد،تاثیری درقابلیت اجرای قراردادندارد. مضافا "، ولواینکه مقررات داخلی مهاب حکم کندکه عقدقراردادمستلزم امضاء بیش ازیکنفر ازمقامات شرکت باشد، این امرحتی بموجب قوانین ایران تاثیری دراعتبارچنین قراردادی نمی گذارد. رجوع‌شودبه مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ قانون تجارت ایران

درقانون استخدام کارشناسان فنی خارجی مورخ ژوئن ۱۹۷۰ که مهاب بدان اشاره‌می کند، برخلاف اظهارمهاب مقررنشده‌است که‌شورای وزیران می بایست برهرقراردادی صحه گذاردتاآن قراردادمعتبر باشد. ولواینکه تصویب صریح هیئت وزیران ضرورمی بود،نبودآن براعتبارقرارداد دربرابر پیمانکارخارجی تاثیری نمی داشت .

بنابراین نتیجه‌گیری دیوان داوری آنستکه قرارداد مورخ ۱۹ ژوئن۱۹۷۸(۲۹ خرداد ما ۱۳۵۷) معتبرونسبت به‌طرفین قرار داد لازم‌الاجرا بوده‌است .

ب - قانون مرور زمان

طبق ماده ۷۴۰ آئین دادرسی مدنی ایران " دعاوی مربوط به‌اجرت ماهانه واجرتهائی که درفواصل کوتاهتری پرداخت می شودچون شهریه هزینه‌های آموزشی ونگاهداری صغیر، حق الزحمه‌صنعتگران ومتخصصان فنی ، احرت مستخدمین وسرایداران که به‌نحوماهیانه‌یاکمتررشده‌نسبت به‌هریک ازاقساط ، پس از گذشت یکسال مشمول قانون مرورزمان‌می شود".طرفین درمورد قابل اعمال بودن ماده ۷۴۰ نسبت به پرونده حاضر ، اختلاف نظردارند. دیوان داوری لازم‌نمی داندبه‌این موضوع بپردازدکه‌آیا ادعای کریگ مشمول ماده ۷۴۰ واقع‌می شود یاخیر؟ قوانین محلی درموردمرورزمان ازنظر دیوان های بین المللی واجب‌الرعایه نیست‌ولی این دیوان ها می توانند این گونه قوانین رادرتعیین اثرات تاخیرغیرمعقول درتعقیب ادعا مدنظر قراردهند. رجوع شودبه :

J. Simpson and H.Fox International Arbitration 124 (1959).

دربسیاری حل وفصل دعاوی دولتین مدت زمانی رابرای اقامه‌دعاوی درنظر گرفته‌اند(بند۴ ماده‌سوم). درپرونده حاضر تاءخیرغیرمعقولی در تعقیب اد عا مشاهده‌نمی شود. درنتیجه برفرض‌که‌ادعای کریگ مشمول مرورزمان موضوع ماده ۷۴۰ شودباز این مسئله مانع اقامه دعوی دراین دیوان نمی گردد.

ج - مسئولیت نسبت به مبالغ مورد ادعا

خواندگان اظهار می دارندکه چون کریگ خدمات را طبق قراردادی که با مهاب داشته انجام نداده است ، لذا حقی بردریافت حق الزحمه ندارد. مدارک نشان می دهدکه کریگ ازطرف مهاب ماءموریت یافته بودکه با سازمان آب و برق خوزستان ، به ترتیبی که دراصل موردنظرطرفین بوده ، کارکند. در این باره که خواندگان ازطرزکارکریگ درمدت ۹ ماهی که وی درایران اقامت داشته ناراضی بوده اند، مطلبی عنوان نشده است . علاوه براین ، مدارک نشان می دهدکه نماینده سازمان آب وبرق خوزستان طی نامه ای خطاب به کریگ در تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲ بهمن ۱۳۵۷) نوشته است که "کاملا" تصدیق میکنیم که خدمات خودرا به شرحی که توصیف شده انجام داده اید"وبه مناسبت عرضه بهترین خدمات به سازمان آب و برق خوزستان"ازوی تشکرکرده است . درپرتواین شرایط واوضاع واحوال ، علی الظاهرمحرزاست که کریگ خدمات موضوع قرارداد را ازپا با آوریل ۱۹۷۸ تا پایان ژانویه ۱۹۷۹ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ الی ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸) انجام داده است . دیوان داوری با توجه به نبودن هیچگونه مدارک معارض قانع کننده ای چنین نتیجه میگیردکه کریگ تعهدات خودرا طبق قرارداد ایفا کرده است .

برسراین مسئله اختلافی نیست که کریگ بجز ۱۸،۰۰۰ دلاری که بنا به تقاضای مهاب توسط سازمان آب وبرق خوزستان درماه سپتامبر ۱۹۷۸ به وی پرداخت شد ، مبلغ دیگری بابت خدمات خودظرف آن مدت دریافت نکرده است که این مبلغ را بابدقسمتی ازحق الزحمه مربوط به آن خدمات تلقی کرد. درنتیجه ، نامبرده استحقاق داردکه حق الزحمه مدت ۹ ماه موردبحث را منهای مبلغ ۱۸،۰۰۰ دلار ومنهای مالیاتهای متعلقه ، ازمهاب دریافت نماید.

کریگ اذعان داردکه مبلغ متعلقه بابت مالیات بردرآمدمی بایست ازمبلغ مندرج درقراردادکه وی طلبکار است کسرگردد ، لیکن ، طرفین درمورد مبالغی که بایدکسرشوداختلاف نظردارند. دیوان داوری درعین حال که در مورد داشتن صلاحیت جهت رسیدگی به ادعاهای متقابل

بابت مالیات های ایران ، وحدود این صلاحیت ، اظهارنظرنمی کند. معذلک معتقداست که کسرمالیات بایدبراساس اقرارکریگ صورت گیرد.

دیوان داوری براین نظراست که درنتیجه بیانیه های الجزیره و افتتاح حساب تضمینی به دلار آمریکا ، ادعاهای تائیدشده دراختلافی نظیر اختلاف حاضر ، باپرداخت ازمحل حساب تضمینی ادا خواهدشد.

روشن است که علیرغم ذکرحق الزحمه بریال نیت طرفهای قرارداد این بوده است که پرداخت به دلار آمریکا انجام شود. شاهد این مدعا مبلغی است که درماه سپتامبر ۱۹۷۸ به دلار آمریکا به کریگ پرداخت شده است. دیوان داوری با استفاده ازنرخ تبدیل رایج در آن مدت ، معتقداست که باید مبلغ ۹۲،۶۶۴ دلاربابت مدت بین آوریل ۱۹۷۸ تا ژانویه ۱۹۷۹ به کریگ پرداخت گردد.

کریگ ، همچنین مدعی است که مبالغی نیزپس ازخروج ازایران در اوائل فوریه ۱۹۷۹ (اواسط بهمن ماه ۱۳۵۷) بوی تعلق میگیرد. اساس این ادعا این است که قرارداد کریگ با مهاب تا سپتامبر ۱۹۷۹ فسخ نشد. علاوه براین ، کریگ مدعی است که بنا به توافقی که با سازمان آب وبرق خوزستان داشته ، قرار بوده است که وی بصورت "منتظرخدمت" درخارج دراختیارسازمان یادشده باشد. بگفته کریگ نماینده سازمان آب وبرق خوزستان در ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷) تلفنی به وی چنین دستوری را داد.

کریگ درتائید اظهارخود دایربراینکه راجع به انتظار خدمت موافقت شده بود ازجمله ، به نامه مورخ ۲۳ ماه مه ۱۹۷۹

ژ ۲ خرداد ماه ۱۳۵۸) سازمان آب وبرق خوزستان، که بموجب آن کریگ در اختیار مهاب قرار گرفته بود، استناد می کند. ولی، چنین اظهاری از ناحیه سازمان آب وبرق خوزستان برای این سئوال که چه موقع و توسط کدام مرجع حق الزحمه خدماتی که کریگ قبلاً" انجام داده، پرداخت خواهد گردید اثری می گذارد، علاوه براین، واز همه مهمتر نامه مزبور حاکی است موضوع "مامورشدن" مجدد کریگ به مهاب قبلاً" طی نامه مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) سازمان آب وبرق خوزستان به اطلاع وی رسیده بوده است. با توجه به این امر، نامه مورخ ۲۳مه (۲خرداد) ادعای کریگ در مورد موافقت مربوط به انتظار خدمات را تائید نمی کند. هیچ گونه مدرک قانع کننده دیگری نیز در مورد وجود چنین موافقتنامه ای بین کریگ وسازمان آب وبرق خوزستان وجود ندارد.

از مدارک موجود منجمله نامه مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) سازمان آب وبرق خوزستان مذکور در فوق چنین برمی آید که برداشت کریگ وسازمان آب وبرق خوزستان در ماه ژانویه ۱۹۷۹ با توجه به اوضاع عمومی ایران این بوده که کریگ به عنوان ماموریت دیگر خدماتی به سازمان آب وبرق خوزستان عرضه نخواهد کرد، با این شرط که در صورت امکان کار خود را با سازمان آب وبرق خوزستان در آینده از سر گیرد.

معهذا، دیوان داوری متذکر می گردد که ادعا نشده است که قرارداد برطبق شرط فسخ مندرج در آن توسط یکی از دو طرف فسخ شده است. علاوه براین، به نظر دیوان مدرکی در دست نیست که بموجب آن خروج کریگ از ایران در فوریه ۱۹۷۹، به شرحی که مهاب می گوید، حکایت از نقض قرارداد نماید. خروج کریگ از ایران کاملاً" با تائید سازمان آب وبرق خوزستان بوده است و با توجه به رابطه نزدیک بین دو سازمان و با ملاحظه اینکه مهاب در آن هنگام فعالیت نداشته، نمی توان کریگ را به خاطر عدم کسب اجازه مناسبی از مهاب مقصر شناخت. خروج کریگ از ایران ولذا عدم دسترسی به وی جهت ارجاع کارهای دیگر، قاعدتاً" باید حسن تلقی گردد

کد کریگ به علت قصور طولانی مهاب درپرداخت حق الزحمه ، به سهم خود چنین پنداشته که قرارداد فسخ شده است . دیوان عقیده دارد که عدم پرداخت توسط مهاب نقض قرارداد بوده، وبرداشت مورد اشاره را توجیه می کند .

با توجه به اینکه قرارداد درنتیجه نقض آن توسط مهاب فسخ شده ، کریگ حق دارد که خسارات وارده به خود در اثر فسخ قرارداد را وصول نماید . خساراتی که مهاب مسئول پرداخت آنهاست عبارتند از وجوهی که درصورت عدم فسخ زودتر از موعد قرارداد دعایدکریگ می شد ، منهای مبلغ قابل انتساب به اقداماتی که کریگ از باب کاهش زیان وارده بخود انجام می داد و یا می بایست انجام دهد . کریگ مدعی است که معمولا" بین ۲ تا ۶ ماه طول می کشیده تا وی کار مشابهی پیدا کند . دیوان با عنایت به اوضاع واحوال پرونده ، مبلغ معقول خسارات پرداختی به کریگ را ۳۶،۰۰۰ دلار آمریکا ، که معادل تقریبا" سه ماه حق الزحمه خالص است ، تعیین می کند .

خواندگان مسئولیت درقبال هزینه های مورد ادعا را به صورت کلی رد کرده ، ولی نسبت به اقلام مختلف هزینه های مورد مطالبه اعتراضی نکرده اند .
دیوان معتقد است که مبلغ ۹،۴۵۴/۴۰ دلار بابت هزینه های انجام شده میبایست به کریگ پرداخت شود .

کریگ نتوانسته است دلیلی ارائه دهد که به موجب آن بتوان با استناد به آثار احتمالی قوانین مالیات بردرآمد ایالات متحده با توجه به قصور مهاب در پرداخت وجوه ، خواندگان را مسئول شناخت . درنتیجه این بخش از ادعا مردود شناخته می شود .
دیوان داوری دلیلی دردست ندارد که به استناد آن بموجب ادعای الف ، خواندگان وزارت نیرو یا سازمان آب وبرق خوزستان را مسئول شناسد . بنابراین ، این ادعا تا آنجا که علیه وزارت نیرو وسازمان آب وبرق خوزستان مطرح است باید مردود شناخته شود .

۲ - ادعـــــای (ب)

ادعای (ب) مبتنی است برنقض ادعائی قراردادتوسط شرکت خـــدمـــات مهنـــدسـی ایران - زمیـن. نظر دیوان آنستکه صلاحیت رسیدگی به ادعای کریگ را، تا آنجا که علیه این شرکت است، ندارد (به قسمت سوم فوق مراجعه شود). کریگ هیچ مبنای حقوقی ارائه نکرده است که بر اساس آن بتوان سازمان آب وبرق خوزستان را بـــابت نقض ادعائی قرارداد توسط شرکت خدمات مهندسی ایران - زمین، مسئول شناخت. بنابراین این ادعا فاقددلیل است ونمی توان به آن ترتیب اثرداد.

۳ - ادعـــــای (ج)

کریگ بابت برخی از اموال خود در ایران مطالبه خسارت می کند. لکن درموردارزش این اموال، دلیل ومدرک مهمی دردست نیست. بعلاوه، هیچ دلیلی مبنی برتائید این ادعا که لوازم مزبور توسط ایران توقیف شده، دردست نیست. بنابراین، به چنین ادعائی نمی توان ترتیب اثرداد. دیـوان داوری یـــــادآور می شودکه دولت ایران درجلسه استماع موافقت کـــرده که این امـــوال را دراختیار کریگ قرار دهد.

۴ - بهـــــره

کریگ استحقاق داردکـــــه بابت عدم پرداخت اصل مبالغ واجب الادا به وی خسارت دریافت نماید. براین اساس، تصمیم دیوان براینست که نسبت به کل مبلغ بدهی، یعنی ۱۳۸،۱۱۸/۴۰ دلارآمریکا، باید بهره ای به نرخ عادلـــه ۱۰ درصـــد ازتاریخ اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) پـــــرداخـــت شـــود. بهره تا تاریخی که کارگزارامانی به بانک امین دستورپرداخت مبلغ حکـــم را بدهد، تعلق خواهدگرفت.

پنجم - ماهیت ادعای متقابل

نظردیوان آنستکه بخدمات انجام شده توسط کریگ از آوریل ۱۹۷۸ الی پایان ماه ژانویه ۱۹۷۹ حقوق تعلق می گیرد. جهت تعیین میزان این حقوق رقم ۱۸،۰۰۰ دلار پرداختی درماه سپتامبر ۱۹۷۸ درنظرگرفته شده است. درنتیجه ادعای متقابل مهاب برای استرداد این وجه مردوداست.

ششم - هزینه

با توجه به وضع پرونده موجود وبا اعمال مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان، دیوان داوری مقررمی داردکه مبلغ -/۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه های مذکور توسط مهاب به کریگ پرداخت شودوهریک از خواندگان هزینه های داوری مربوط به خودرا تقبل نماید.

هفتم - حکم

حکم دیوان به شرح زیراست:

ادعای الف خواهان تا حدی که علیه خواندگان وزارت نیروی ایران وسازمان آب وبرق خوزستان اقامه گردیده، مردودشناخته می شود.

ادعاهای ب و ج خواهان مردوداست.

ادعای متقابل خوانده، مهندسین مشاورمهاب (مهاب) مردوداست.

خوانده، خدمات مهندسی مهاب (مهاب) متعهداست و باید مبالغ زیر را به آلن کریگ بپردازد:

۱ - مبلغ یکصدو سی وهشت هزار وصدوهیجده دلار و ۴۰ سنت امریکا (۱۳۸،۱۱۸/۴۰) با اضافه بهره به نرخ ده (۱۰) درصد در سال، با احتساب از تاریخ اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند،

۲ - مبلغ ده هزار دلار آمریکا (۱۰،۰۰۰ دلار) بابت هزینه های داوری.

مبالغ فوق از حساب تضمینی که طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر افتتاح شده است پرداخت خواهد شد.

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می شود.

لاهه، بتاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ برابر با ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۲

نیلس منگارد
رئیس شعبه سه

بنام خدا

ریچارد ام. ماسک

م. جهانگیر شانی

توضیحی درباب امضاء نشدن احکام توسط قاضی ثانی

شورهای مربوط به‌پرونده‌حاضربا حضورا عضای آن منگارد، جهانگیرشانسی وماسک، پس‌ازاستماع مورخ ۵ آوریل ۱۹۸۳ (۱۶ فروردینماه ۶۲) وپیش‌ازتعطیلات تابستانی دیوان که درتاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۱ خردادماه ۱۳۶۲) آغازگردید، برگزارشد. طی جلسه‌نهائی شعبه‌که پیش‌ازآغاز تعطیلات تابستانی دیوان تشکیل گردید، تصمیم گرفته‌شدکه شعبه‌درا وائل اوت ۱۹۸۳ کارخودرا ازسرگیرد. براساس این تصمیم رئیس شعبه‌یادداشت مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۳ خردادماه ۱۳۶۲) خودرا صادرکردودرآن از داوران شعبه‌درخواست‌نمود روزهای ۸، ۱۰ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (به‌ترتیب ۱۹،۱۷ و ۲۱ مردادماه ۱۳۶۲) را به‌شورهای شعبه‌اختصاص دهند، بموجب دستورشماره ۱۰ مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خردادماه ۱۳۶۲) ریاست دیوان، به‌شعبه‌دواجازه داده‌شدکه تاتاریخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۳ (۹ مردادماه ۱۳۶۲) درمواردی چون درخواست صدورقرارهای موقت یا سایرموضوعات فوری، بجای شعبه‌سه‌اقدام کند. علاوه براین، طبق برنامه‌رسمی رسیدگیهای دیوان که درتاریخ ۶ ژوئن ۱۹۸۳ (۱۶ خردادماه ۱۳۶۲) انتشاریافت، تشکیل جلسه‌دیوان عمومی در روزهای ۱۷ - ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (۲۶ - ۲۴ مردادماه ۱۳۶۲)، جلسات استماع شعبه سه‌در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۵ و ۳۰ اوت (بترتیب ۲۷، ۲۸ مردادماه و ۳ و ۸ شهریور) ویک جلسه‌استماع مقدماتی در روز اول سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۰ شهریور ۱۳۶۲) درنظرگرفته‌شده‌بود.

درتاریخ ۶ اوت ۱۹۸۳ (۱۵ مردادماه ۱۳۶۲) رئیس شعبه‌سه‌برنامه‌برگزاری جلسات شعبه‌سه راصادرکرد. طبق این برنامه‌قرارشدنهائی کردن احکام پرونده‌های شماره ۸۴، ۱۲۴، ۱۸۵، ۳۴۶ در ۱۱ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (۲۰ و ۲۱ مرداد ۱۳۶۲) وشورهای مربوط به‌پرونده‌های شماره ۳۵، ۶۲، ۷۶، ۱۲۷ در ۱۳ اوت ۱۹۸۳

(۲۲ مردادماه ۱۳۶۲) صورت گـــرد.

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران درنامه مورخ ۱۰ اوت ۱۹۸۳ (۱۹ مردادماه ۱۳۶۲) خودبه دیوان اظهارداشت :

"که قاضی مصطفی جهانگیرشانی ، داورایرانی شعبه سه دیـــوان داوری ، استعفای خودرا به دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم کرده ودولت مزبور این استعفا را پذیرفته است . استعفـــای موردبحث ازتاریخ ۱۰ اوت ۱۹۸۳ قطعیت یافته وجانشین ایشان بموقع خود به دیوان معرفی خواهدشد".

دراین نامه ازدلائل این استعفا ذکری بمیان نیامده است .

رئیس دیوان دستور دادبعضی ازجلسات استماع دیوان عمومی که قـرار بـــود در روزهای ۱۵ تا ۱۷ اوت ۱۹۸۳ (به ترتیب ۲۴ تا ۲۶ مردادماه ۱۳۶۲) تشکـــیل شـــود ، به بعدموکول گردد . علاوه براین رئیس شعبه سه برگزاری جلسات خـــاص نهائی کردن احکام وشورهای مقرر درهفته ۸ اوت ۱۹۸۳ (۱۷ مردادمـــاه ۱۳۶۲) را ملغی کـرد .

قاضـــی جهانگیـــرشانی درجلسه مورخ ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (۲۴ مرداد ۱۳۶۲) دیوان عمومی حضورنیافت . درجلسه مورخ ۱۷ اوت ۱۹۸۳ (۲۶مرداد ۱۳۶۲) دیوان عمومی، رئیس دیوان اظهارداشت که تاکنون دلائـــل معتبری برای غیبت قاضی شانی به دیوان واصل نشده ودیوان اجازه چنین غیبتی را به ایشان نداده اســـت . رئیس دیوان همچنین اعلام داشتندکه برعهده شعبه سه ودیوان عمومی است که پیامدهای قانونی این غیبت را درارتباط باهریک ازپرونده های مطروح نـزد شعبه سه دیوان معین کنند . پس ازآن رئیس شعبه سه دستوردادجلسات استماعی که قراربوددرروزهای ۱۸، ۱۹و ۲۵ اوت (به ترتیب ۲۷ و ۲۸ مردادو۳ شهریور) وجلسه استماع مقدماتی که قراربوددراول سپتامبر (۱۰ شهریور) تشکیل گردد، به بعدموکول شود .

رئیـــس شعبـــه سه طی نامه مورخ ۱۸ اوت ۱۹۸۳ (۲۷ مرداد ۱۳۶۲) که ازطریق تلکس ارسال شد ، قاضی شانی را ازنکات اعلام شده توسط رئیس دیـــوان مطلع ساخت ونسبت به اطلاع ایشان رساندکه برنامه جدیدی تنظیم شده که بموجب

آن ازجمله نهائی کردن وامضای حکم این پرونده درتاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۱ شهریورماه ۱۳۶۲) انجام خواهدشد.

قاضی جهانگیرشانی درتلکس مورخ ۲۴ اوت ۱۹۸۳ (۲شهریور ۱۳۶۲) خطاب به رئیس شعبه سه وصول نامه مورخ ۱۸ اوت ۱۹۸۳ (۲۷ مرداد ۱۳۶۲) راتاءیید کرد وبه رئیس شعبه سه اطلاع دادکه ازنظرایشان اعلام استعفای ایشان به جمهوری اسلامی ایران قانونا "نسبت به دیوان داوری نیزمجری است وایشان ازاین بس قانونا "مجاز ومختاربه شرکت دراخذتصمیم یاصدوراحکام نیستند .جز "درموردنظرحقوقی یاحکمی که قبلا" ابلاغ یااعلام شده باشدوایشان درتهیه وتهیه پیش نویس ، باتنظیم وتنقیح آن درگیربوده اند".

نه دراین تلکس و نه درتلکس واصله درروزبعدکه به رئیس دیوان خطاب شده بود، قاضی جهانگیرشانی این نکته رامطرح ساختند که شرکت درجلسه ۲ سپتامبر (۱۱ شهریور) ازلحاظ جسمانی برای ایشان ممکن نیست.

قاضی شانی درجلسه امضای حکم این پرونده که درتاریخ ۲ سپتامبر (۱۱ شهریور) درشعبه سه برگزارشدحضورنیافت.

تحت شرایط واوضاع و احوال فوق الذکر، دیوان برآن شدکه براساس بند ۴ ماده ۲ قواعددیوان ، کارامضای حکم رادرغیاب قاضی جهانگیرشانی به پایان برد.

لاهه ، بتاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ برابربا ۱۱ شهریور ۱۳۶۲

نیلس منگارد

رئیس شعبه سه

ریچاردام. ماسک